


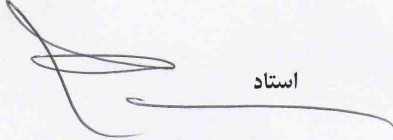



صلاة الاضلاع

تأیید اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیئت داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای حسین منصوری تحت عنوان بررسی تطبیقی عناصر نمایشی بهشت و دوزخ در قرآن مجید و فرهنگ ایران - پروژه عملی: نگارش نمایشنامه «غریق سالهای دور» را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد تأیید می کنند.

اعضای هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱- استاد راهنما	دکتر سید مصطفی مختاباد	دانشیار	
۲- استاد مشاور	دکتر سید حبیب الله لزگی	استادیار	
۳- استاد ناظر	دکتر علی شیخ مهدی	استادیار	
۴- استاد ناظر	دکتر محمود طاووسی	استاد	
۵- نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر علی شیخ مهدی	استادیار	

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته ادبیات نمایشی است که در سال ۱۳۸۹ در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر سیدمصطفی مختاباد، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر سید حبیب الله لزگی از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

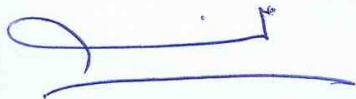
ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجناب **حسین منصوری** دانشجوی رشته ادبیات نمایشی مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: **حسین منصوری**

تاریخ و امضا: ۱۳۹۰/۴/۱



آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می‌باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می‌باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده‌ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده‌ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته‌ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

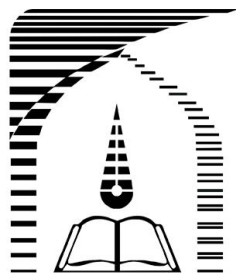
ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب حسین منصوری دانشجوی رشته ادبیات نمایشی ورودی سال تحصیلی ۸۵/۸۶ مقطع کارشناسی‌ارشد دانشکده هنر و معماری متعهد می‌شوم کلیه نکات مندرج در آئین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین‌نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضا: حسین منصوری

تاریخ: ۹۰/۴/۱





دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده هنر و معماری

پایان نامه کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی

موضوع:

بررسی تطبیقی عناصر نمایشی بهشت و دوزخ در قرآن

مجید و فرهنگ ایران

موضوع عملی: «نگارش نمایشنامه غریق سال‌های دور»

حسین منصوری

استاد راهنما:

دکتر سید مصطفی مختاباد

استاد مشاور:

دکتر سید حبیب الله لزگی

اردیبهشت ۱۳۸۹

" وصف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده این است که در آن نهرهایی است از آبهایی تغییرناپذیر و نهرهایی از شیری که طعمش دگرگون نمی‌شود و نهرهایی از شراب که آشامندگان از آن لذت می‌برند و نهرهایی از عسل مصفی. و در آنجا هرگونه میوه که بخواهند هست و آمرزش پروردگارشان. آیا بهشتیان همانند کسانی هستند که در آتش جاودانه اند و آنان را از آبی جوشان می‌آشامند چنان که روده هایشان تکه تکه می‌شود؟"

(قرآن، محمد(ص)، آیه ۱۵)

"بهشت را خطری نیست به نزدیک اهل محبت، و اهل محبت بازمانده اند و اندر پوشش اند از محبوب، یعنی بهشت مخلوق است اگرچه بزرگ است، و محبت وی صفت وی است نامخلوق، و هر که از نامخلوق بازماند بی خطر بود. پس مخلوق به نزدیک دوستان خطر ندارد، و دوستان به دوستی محبوب اند."

(هجویری، ۱۳۸۶، صص ۱۶۳ و ۱۶۴)

تقدیم به:

روح پاک پدرمهربانم،

مادر فداکارم،

همسر صبورم و پریا.

با سپاس فراوان به پیشگاه اساتید گرانقدرم آقایان:

جناب آقای دکتر سید مصطفی مختاباد

جناب آقای دکتر سید حبیب الله لزگی

چکیده:

بهشت و دوزخ در مذاهب و فرهنگ‌های مختلف، همواره بخشی از باورهای آیینی هر قومی را تشکیل داده است. در این تحقیق سعی شده است تا بر اساس توصیفی که در متون کهن ایرانی و قرآن مجید از این دو مورد شده است، سخن گفته شود. در این نگرش، بانگاهی به کلام وحی و متون کهن پارسی و ظرفیت هنری زبان قرآن، به ارزش‌های روایتگری و نوع آن پرداخته ایم همچنین به تعاریفی که در زمینه بهشت و دوزخ، و جایگاه آن در اسطوره‌های ایرانی و بین‌النهرین وجود دارد، نگریده ایم. از این منظر، به توصیفات سوررئالیستی در قرآن و نوشته‌های کهن ایران پرداخته، به نوع روایت، جایگاه زمان و مکان در این گونه روایات نگاه کرده ایم. نقش راوی، نحوه گفتگو، کشمکش، عنصر خیال و واقعیت و ترکیب عناصر نمایش گونه را در بهتر شدن متن نمایشی در صحنه و حرکت شخصیت، در این عرصه، بررسی نموده ایم. به علاوه به تطبیق عناصر توصیفی و شباهت‌های هریک و عناصر تعیین کننده و تأثیرگذار بر متن و اجرای نمایشی و رسیدن به ساختاری که بتوان هم در زمینه نمایش (تئاتر)، و هم درام سینمایی رسید، نایل شده ایم. پژوهش ما بر اساس متون کهن و قرآن است. هدف ما جستجوی مواردی از خلاقیت در هنرهای نمایشی با توجه به ریشه‌های ایرانی-اسلامی این گونه مباحث است تا بتوانیم برداشت‌های نمایشی بکرونا و آوران‌های را، در آینده شاهد باشیم.

واژگان کلیدی: قرآن، بهشت، دوزخ، فرهنگ ایران، اسطوره، عناصر نمایشی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه و کلیات تحقیق:.....
۱۸.....	فرضیات و سؤالات تحقیق:.....
۱۹.....	اهداف تحقیق:.....
۲۱.....	فصل اول: تعاریف
۲۲.....	۱-۱- تعاریف بهشت و دوزخ.....
۲۶.....	۲-۱- بهشت و دوزخ در اسطوره‌های کهن ایران و بین النهرین.....
۳۷.....	۳-۱- خاستگاه اسطوره‌ها در بین النهرین.....
۴۳.....	۴-۱- مراتب بهشت و دوزخ در فرهنگ ایران.....
۴۸.....	۱-۴-۱- بهشت و دوزخ در قرآن و درجات آن.....
۵۲.....	۲-۴-۱- توصیفات سوررئالیستی در قرآن و متون کهن ایران.....
۶۰.....	فصل دوم: عناصر
۶۱.....	۱-۲- عناصر نمایشی.....
۶۵.....	۲-۱-۱- زمان و مکان در روایت بهشت و دوزخ.....
۶۷.....	۲-۱-۲- راوی به عنوان دانای کل.....
۷۰.....	۲-۱-۳- نحوه آرایه گفتگو.....
۷۲.....	۲-۱-۴- بیم و امید در قالب کشمکش.....
۷۴.....	۲-۱-۵- درهم آمیزی خیال و واقعیت.....
۷۸.....	۲-۱-۶- ترکیب عناصر و غنابخشیدن به متن.....
۸۰.....	۲-۱-۷- صحنه و حرکت شخصیت.....

فصل سوم: مقایسه و شباهت‌ها ۸۴

۱-۳- مقایسه تطبیقی - توصیفی ۸۵

۱-۱-۳- شباهت‌های اسطوره‌های ایرانی و آیات قرآنی ۱۰۸

۲-۱-۳- متن اثر به عنوان عنصر تعیین کننده و تأثیرگذار ۱۱۰

۳-۱-۳- وضوح یک تصویر در متن و اجرای نمایشی ۱۱۳

نتیجه‌گیری: ۱۱۸

پیشنهادها: ۱۲۲

منابع و مآخذ: ۱۲۳

منابع فارسی: ۱۲۴

منابع اینترنتی: ۱۳۱

منابع مطالعاتی: ۱۳۱

پروژه عملی: نمایشنامه‌ی غریق سال‌های دور ۱۳۳

پیوست‌ها: ۱۵۷

پیوست الف) شواهد بهشت و دوزخ در اشعار برخی شاعران و شعر حافظ ۱۵۸

پیوست ب) متن ارداویراف‌نامه ۱۶۸

چکیده انگلیسی: ۱۸۸

مقدمه و کلیات تحقیق:

خاستگاه هر روایت و داستانی باز می‌گردد به "زیرساخت‌ها و باورهای آیینی-اسطوره‌ای و دینی در هر جامعه‌ای، واز درون این خاستگاه‌های مردمی است که هنر نمایش به ظهور می‌رسد." (رحیمی ورهبین، ۱۳۸۳، ص ۱۹) در این میان، سخن گفتن از دو فرهنگ و تقابل آنها با یکدیگر، این امر را لازم و ملزوم هم می‌سازد تا با نگرش‌هایی در زمینه تطبیق دهی داستان‌ها و روایت‌های کهن، به خاستگاهی مشترک در عرصه فرهنگ بشری دست یابیم. چراکه فرهنگ و هنر برخاسته از ارثیه‌ای تاریخی و کهن است که از نسلی به نسلی و از قومی به قومی و از قبیله‌ای به قبیله‌ای رفته و به تدریج دامنه‌های پرتو افکنانه خود را در حیطه‌های تأثیرگذار بشری به ظهور رسانیده است. *داریوش آشوری* در زمینه مفهوم فرهنگ و چگونگی رواجش چنین می‌نویسد: "رواج دوباره واژه «فرهنگ» در زبان فارسی در سه چهار دهه گذشته و همچنین دگرگونی معنای آن برای سازگاری با دو واژه Education و Culture نشانه نیازی ست تازه که همراه با پراکنش صورت تازه‌ای از تمدن و فرهنگ پیش آمده است؛ نیاز به بیان مفهوم‌های تازه‌ای که در صورت کهن تمدن و فرهنگ ما کما بیش یافت نمی‌شد و یا روح آن تمدن با چنین مفهوم‌هایی بیگانه بود. زیرا انسان مدرن و جهان بینی اوست که چنین مفهوم‌هایی را برای شناخت انسان در متن طبیعت و تاریخ پدید آورده است." (آشوری، ۱۳۸۰، ص ۱۵) زمینه تداخل داستان‌های کهن و نوع روایتگری در هر یک از این زمینه‌ها، در میان ملتی، به اقتضای شرایط خود، پیش رفته، با فرهنگ بومی آن مردمان پیوستاری عمیق یافته، و جزئی از میراث فرهنگی آن مردمان گردیده است. از این رو می‌توان به "بسیاری از قصه‌ها و روایات کهن از کتاب مقدس و یا اسطوره‌های ملل مختلف که ریشه‌هایی مشترک را در بر می‌گیرند استناد نمود." (مسعودی، ۱۳۸۷، ص ۱۵) این اسطوره هادر سرزمین‌های همجوار به شکلی دیگر بیان شده و روایتگر تخیل، و رؤیای آن قوم نسبت به موضوعات عام بشری بوده است. همه آنها از یک چیز مشترک سخن می‌گویند و آن اشتراک بن مایه‌های زبانی و رفتاری است که در هر یک از آنها دیده می‌شود و به صورت نوشتار در یک نظم گفتاری بیان می‌گردد. میشل فوکو در باره سخن و نظم گفتار، آرزو می‌کند که ای کاش سخن بود که او را در بر می‌گرفت و نه این که او با حضورش سخنرانی می‌کرد تا دیگران را با گفتارش شیفته خود می‌کرد! او

می‌گوید: "دلم می‌خواست در می‌یافتم که، در لحظه‌سختن گفتن، صدایی بی‌نام، مدت‌ها پیش از من، بلند شده است، و مرا کاری نیست جز آن که با آن صدا هم آواز شوم، دنباله عبارت را بگیرم، و بی آنکه کسی متوجه اش شود، چنان در تاروپود آن بخزم که گویی خود آن صدا، بایک لحظه باز ایستادن، مرا به جای خود فراخوانده است." (فوکو، ۱۳۷۸، ص ۱۱)

بسیاری از داستان‌ها و نمایش‌های دینی و آیینی و باورهای مربوط به جهان پس از مرگ، در اساطیر و روایات آمده است. از نمونه‌های غربی آن سفر *ادستوس* در *ادیسه* هومرو سه گانه کم‌دی الهی دانته، از نمونه‌های پارسی آن، *ارداویرافنامه*، و *متون زرتشتی* و از نمونه‌های ادبی و غنی عرب می‌توان به *کلام الله مجید و نهج البلاغه* و اشارات و روایات معصومین (ع) از بهشت و دوزخ اشاره نمود. همچنین به اساطیر بین‌النهرین و مصر و دیگر ملل هم می‌توان استناد کرد. بشر همواره نظر داشته است که با خیال و هیبت خدایان، در یونان و روم، و جهان ماورایی دست و پنجه نرم کند، و راز هستی مطلق رامیان این جنگ و ستیزی که خود خواسته در برابر خدایان علم نموده است، بگشاید.

در این میان، ادبیات پارسی با بهره‌گیری از روایت و قصه پردازي و تخیل سرشار و هم، رؤیا، خواب و واقعیت، از خود متونی رابه یادگار گذاشته که در خور تغذیه اذهان جهانی است. پاره‌ای از این متون، بارها و بارها به زبان‌های مختلف برگردانده شده است - اشعار مولانا، خیام، حافظ، سعدی، فردوسی و داستان‌های هزار و یک شب و بسیاری دیگر از این نوع که خود گواه این امر است.

بخش مهمی از تاریخ ادبیات ما را متون کهن پارسی تشکیل می‌دهند، که با توصیف فضاهای مختلف داستانی، باعث غنای بیشتر ادبیات ما گردیده است، که می‌توانیم پس از بررسی و دقت در عناصر و ابعاد مختلف، سنجه کرده و از درون مایه‌های ادبی و نمایشی آن در عرصه‌های سینما و تئاتر بهره‌مند گردیم.

در این پژوهش خواسته ایم به گونه‌ای عمل شود تا متون ادبی - مذهبی و ارتباط آن با نوع نگرش و جهان بینی مردمان در اعصار گذشته بیان گردد. در این رهگذر، مسأله بهشت و دوزخ در متون اسلامی، *قرآن کریم*، و زرتشتی، ارداویرافنامه، به خوبی حکایت از این امر مهم دارد. با آمدن دین مبین اسلام، این امر و نگرش پررنگ تر و زیباتر و به بیانی موجز تر به تصویر درآمد و ظرفیت‌های برگرفته شده از تأثیر ادبیات پارسی بر ادبیات عرب و بازگشت آن به شکلی دیگر به زبان پارسی، به خوبی به چشم

می‌خورد. با اعتراف به اینکه خداوند باری تعالی است که از گنجینه‌های غیب خود بردل رسول حق، وحی فرستاد او را "در گرامی شبی" (قرآن، اسراء، ۱) به سیر آفاق وانفس وماوراء برد تادریچه‌های عظمت و بزرگواری خویش را بنماید و نادیده را بر دیده اشرف مخلوقات دو عالم بگشاید. جادارد که به مواردی در این باره اشاره شود:

اول آن که، غرض از پرداختن به این موضوع، نه تقدم و تأخری است که به لحاظ تاریخی مد نظر می‌باشد. بلکه گونه‌ای امکانات نمایشی، فضا سازی و توصیف در بیان آنچه رخ داده است و می‌توان به دو متن موجود مراجعه کرد، می‌باشد، تا بتوانیم شباهت‌ها و نزدیکی دو متن را به عنوان پدیده‌ای که سرچشمه گرفته شده از روح ملکوتی و ساحت قدسی انسان در پیشگاه خداوند است برشماریم. چرا که او خود گفته است که: "علم را، نامها، به تمامی به آدم، انسان، آموخته است." (قرآن، بقره، ۳۱)

دوم، رسیدن به امکانی از روایت و توصیف است که می‌توان از این دو متن استخراج کرد، و به کلیتی در به نمایش گذاشتن ظرفیت‌های نمایشی، از روایات دینی و مذهبی و آیینی دست یافت تا از طریق آن بتوانیم ظرفیت‌های جدید نمایشی، سینمایی و تصویری را غنا بخشیم و به "تصویری که سبکی را با ارزشی رمزگونه نشان می‌دهد" (کالوینو، ۱۳۷۵، ص ۲۹)، برسیم.

هرچند این بحث به فلسفه خلقت و معاد و قیامت - در تفاسیر مختلفی از جمله المیزان و دیگر تفاسیر مفسرین، به آن اشاره شده است، و در نهج البلاغه نیز قید شده است که این بحث، بحثی معاد شناسانه است - جادارد به صورتی بیان شود که حق مطلب بیان گردد، اما از آنجاکه بیشتر، امکانات نمایشی و ظرفیت‌های آن مد نظر ما بوده است، از بحث اعتقادی آن، خود را دورنگه داشته ایم و به بیان لطایف نیک و بد و بهشت و دوزخی آن، پرداخته ایم.

متأسفانه مابه خوبی هنرمندان غربی در این عرصه‌ها، خصوصاً در هنر سینما، نتوانسته ایم بهره مند شویم و زبانی نو و بیانی نو با توجه به ساختارهای فکری و معنوی و اعتقادی خود به جهانیان عرضه نداریم. این امر به پژوهش‌هایی ساختمان‌دو و نظام مند نیاز دارد، که در مباحث علمی و دانشگاهی، علاوه بر ساختار دست‌ورزبانی ادبیات، به ساختارهای تبدیل این متون به لحاظ نمایشی نیز بپردازیم و گنجینه‌های به یاد ماندنی را به ادبیات و خصوصاً ادبیات نمایشی بیفزاییم و چشم اندازی نودر برابر هنرمندان این مرز و بوم و جهانیان بگسترانیم، و به رشد و ستایشی که شایسته پروردگار است،

نایل شویم، چراکه:

"ستایش از آن خداوند است، آفریننده آسمان‌ها و زمین، آن که فرشتگان را رسولان گردانید. فرشتگانی که بال‌هایی دارند، دو دو و سه سه و چهار چهار. در آفرینش هر چه بخواهد می‌افزاید، زیرا خدا بر هر کاری تواناست." (قرآن، فاطر، ۱)

قریب به ۱۴۳۰ سال پیش پیامبر اسلام در سرزمینی مبعوث شد که در آن زمان بیش از ۱۷ نفر سواد خواندن و نوشتن نداشتند. می‌توان شرایط عرب جاهلی را که مباحثات به خون و عیش و سرور و درپوست و جانش رسوخ پیدا کرده بود در اشعار به جامانده از شعر جاهلی مشاهده کرد. عبدالمحمد آیتی در مقدمه ترجمه کتاب *معلقات سبع* اوضاع و احوال جامعه عربستان و حجاز را قبل از ظهور پیامبر (ص) چنین بیان می‌دارد: "شعر جاهلی مهمترین سند تاریخ آن ایام عرب است و در این باب معلومات فراوانی را در بر دارد، تا آنجا که آن را به حق «دیوان العرب» گفته‌اند. شعر جاهلی ما را از اوضاع و احوال جغرافیایی جزیره العرب و بلاد آن آگاه می‌کند و از اوضاع اجتماعی و آداب و اخلاق و عادات و انساب و آثار و نیز جنگ‌ها و کشمکش‌های قبایل عرب و نیز از وضع اقامت و کوچ قبایل و شیوه خوردن و آشامیدن و انواع طعام‌ها و نوشیدنی‌ها و لباس‌ها و زیورزینت‌ها معلوماتی ارزشمندارایه می‌دهد." (آیتی، ۱۳۷۱، ص ۱۰)

قرآن کریم مدت ۲۳ سال بر قلب نازنین پیامبر (ص) نازل شد. بعضی از این سوره‌ها در مقاطع مختلف تاریخی، و بعضی یکباره و بعضی دیگر به تدریج توسط جبرئیل به ایشان رسانده می‌شد، و ایشان نیز به مسلمین اعلام می‌کردند. از ۱۱۴ سوره، تعداد ۸۴ سوره در مکه و ۳۰ سوره در مدینه نازل شده است. سوره‌های مکی بیشتر در رابطه با اصول اعتقادی و معاد و قیامت مطرح شده است و وعده‌هایی که به مسلمین در رابطه با جهان آخرت و بهشت و دوزخ و عقاب و پاداش آن، از مهمترین ارکان این آیات می‌باشد. قرآن معجزه است و "بسیاری از فضلا و دانشمندان درباره معجزه اصلی پیامبر اسلام سخن گفته‌اند. آنچه در برخورد مسلمانان و غیر مسلمانان محقق با قرآن به چشم می‌خورد این است که نحوه برخورد آنها با آخرین کتاب آسمانی، بستگی دقیقی با نیازهای زمانه و میزان علمشان داشته است." (شاپور، ۱۳۸۴، ص ۱۱) از این رو می‌توان بر حسب زمان و با توجه به شرایط موجود و ظرفیت‌هایی که در آیات قرآن وجود دارد، به تأویل و تفسیر در زمینه‌های گوناگون پرداخت، و هر یک از این آیات را با توجه به ادله متقن و استدلال عقلی و نقلی در مسایل مختلف، به کار برد.

قرآن در طول تاریخ از تحریف و دست برد معاندان محفوظ ماند و رخنه‌ای در کلام آن راه پیدانکرد. چراکه: "و خدا از همه سو بر آنها احاطه دارد. بلی این قرآن مجید است. در لوح محفوظ. " (قرآن، بروج، ۲۲-۲۰) "هرآینه، این قرآنی است گرمی قدر، در کتابی مکنون. که جز پاکان دست بر آن نزنند. " (قرآن، واقعه، ۸۰-۷۷) از این رو، وبا توجه به نص صریح قرآن، خلل و فرجی در این آیات متصور نیست. به لحاظ کلامی نیز، قرآن دارای ابعاد وسیع دستوری، تاریخی، اجتماعی، ارجاعی و قصه گویی است، که با توجه به پراکندگی موضوعی و شرایط جامعه آن زمان، به صورتی پاره پاره و درسورمختلف، به جریانات مختلفی در آیات آن اشاره شده است. " تنها سوره‌ای که قصه پردازی در آن به صورتی یک جا و منسجم بیان شده است سوره یوسف (ع)، احسن القصص، می‌باشد. " (ماسوری، ۱۳۷۷، ص ۱۴) و در خصوص داستان‌ها و روایات دیگر، کمتر چنین شده است.

با گسترش اسلام و بحث‌های عقلی و اعتقادی که پیرامون آیات الهی توسط مفسرین ایراد می‌شد، بسیاری از احکام بعدی اسلام به لحاظ اصولی نیز پایه ریزی شد. از این اصول، می‌توان، به اعتقاد به معاد و جهان دیگر نیز اشاره کرد؛ که جزئی از اصول دین مسلمین می‌باشد. آیات و روایاتی که از قرآن و ائمه معصوم (ع) به ما رسیده است، نشان از خیر و شردر این عالم و پاداش و کیفری اخروی دارد. "در آن روز مردم پراکنده از قبرها بیرون می‌آیند تا اعمالشان رابه آنها بنمایانند. پس هر کس به وزن ذره‌ای نیکی کرده باشد آن را می‌بیند. و هر کس به وزن ذره‌ای بدی کرده باشد آن را می‌بیند. " (قرآن، زلزال، ۸-۶) بحث بهشت و دوزخ، در بسیاری از آیات قرآن آمده است. از وصف آن گرفته تا اینکه سزای چه اعمالی را در آن جابه بدکاران و نیکوکاران خواهند داد. با اشاره مستقیمی که در آیه اسوره اسراء درباره سفر رسول اکرم (ص) به طبقات بهشت و دوزخ شده است، پی می‌بریم که از جمله مسایل روز آن دوران بوده و بر آن تأکید شده است. یاد آیات مختلفی که در سوره‌های قرآن آمده است. در سوره نساء چنین می‌فرماید: " و کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای نیکو کرده اند به بهشت‌هایی درمی‌آوریم که در آن نهرها روان است و در آنجا جاویدانند. وعده برحق خداوند است، و چه کسی از او راستگوی تراست؟ نه بروفق مراد شماست و نه بروفق مراد اهل کتاب، که هر کس که مرتکب کار بدی شود جزایش را ببیند، و جز خدا برای خویش دوست و یاور نیابد. " (قرآن، نساء، ۱۲۳-۱۲۲)

در زمینه‌های موضوعی، به تفاسیر موجود و شرح‌هایی که دانشمندان دین شناس بر آیات نوشته اند

می‌توان مراجعه کرد. چراکه درحوصلاً این رساله و توانایی انجام آن توسط نگارنده نمی‌گنجد. جای آن است که یکایک ظرایف موضوعی رباتوجه به نیازهای روزانه جامعه، بررسی، و برداشت‌های لازم در این زمینه‌ها رادر معرض استفاده عموم قراردهیم. چرا که قرآن ذکر و شفاست، و خاصیت ذکر، رسیدن به شفاست. " و این قرآن را که برای مؤمنان شفا و رحمت است، نازل می‌کنیم، ولی کافران راجز زیان نیفزاید. " (قرآن، اسراء، ۸۲)

درخصوص کهن الگوهای فرهنگ ایران، می‌توان به مسأله نیکی و بدی در متون مختلف آن اشاره کرد. مهرداد بهار در کتاب **پژوهشی در اساطیر ایران** چنین نقل کرده است: " در ازل، هرمزدبود و اهریمن؛ یکی درروشنایی لایتناهی بر فراز، و دیگری در تاریکی بی پایان، در فرود. هرمزد دارنده علم مطلق، از بودن اهریمن و آمیختگی دوافرینش و نبرد آینده آگاهی داشت. پس آفرینش را، که ابزار جدایی فرجامین است، به مینویی بیافرید. سه هزار سال از آفرینش مینویی هرمزد گذشت که تازش اهریمن سرگرفت. در آغاز تازش، اهریمن دیوان راساخت و به جهان روشنان بر تاخت. هرمزد زمان کارزار رابه نه هزار سال پیمان نهاد و با سرودن آهورا اورا باز به تاریکی مدهوش افکند، به سه هزار سال. پس هرمزد زمان بی کران را کران مندی بخشید و تن آفریدگان خویش را از روشنایی پدید آورد و نیز وای درنگ خدای، خدای جنگ و مکان، را که ابزار آفرینش است. اهریمن، به مقابله، تن خاکستری تباه آفریدگان خویش را ساخت و در برابر آفریده نیک هرمزد، به خلقی زشت و پلید دست یازید. هرمزد جهان را از قوه به فعل در آورد و به بهری از آفرینش مینویی خویش صورت مادی و گیتی داد. هنگامی که آفریدگان رابه مینویی آفرید، چون مادر بود و هنگام خلقت گیتی، چون پدر. " (بهار، ۱۳۷۶، ص ۳۱) فرهنگ ایرانی برخاسته از تمدنی چند هزار ساله است. این فرهنگ، علاوه بر غنای ادبی و باورهای عامی که در رابطه با آفرینش جهان و خلقت دارد، در طول اعصار، بر فرهنگ سرزمین‌های همجوار خود تأثیر گذاشته است. اگر هم تأثیراتی رادر طول تاریخ پذیرفته است، رنگی بومی و ایرانی به آن داده است! این نشان از زرفا و عمقی است که در بطن این فرهنگ و ادبیات خاص نهفته است. بسیاری از متون باقی مانده ادوار تاریخی و سنگ نبشته‌ها، حکایت از قومی دارد که سابقه‌ای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، و هنری داشته و دارای زیرساختی اعتقادی، فکری و معنوی می‌باشد.

نگرش به نیک و بد، در بسیاری از متون زرتشتی چون **اوستا**، **بندهشن**، **یشت‌ها**، **خداینامه‌ها**،

ارداویرافنامه و معراجنامه‌های مختلف و متون شعری و عرفانی دیده می‌شود. این آغازوانجام، و برداشتی که از کارنیک و بدبه عمل می‌آید، دردیدگاه زرتشت، مثلث اندیشه نیک، گفتارنیک و کردارنیک را پی ریخته است و به دینی رادربین ایرانیان رواج داده است. با این نگرش، و با توجه به آثارمختلفی که دردوران ساسانی و بعد از اسلام بوجود آمد، رفته رفته مسایل اخروی و اعتقاد به آن راهم دامن زد. از این رو، می‌توان ریشه داری این نگرش را چیزی برآمده از اعتقاد ایرانیان به جهان آخرت و پرداختن و ساختن آن جهت بهروزی آینده دانست. چراکه همیشه "هرمز دواهریمن درستیز بوده اند تاجهان رایکی بنیادنیکی نهدود دیگری براندازد!" (زهر، ۱۳۷۵، ص ۱۵۵)

این تفکر، به قول ژاله آموزگار و احمد تفضلی، نشان از: "فرهنگی ریشه دار و اسطوره‌ای دارد." (آموزگار، ۱۳۸۵، ص ۱) که از زمان‌ها و دوران پیش از تاریخ، در دل کوهها و سنگ نوشته‌ها و از زیر خاک بیرون کشیده شده است و به عنوان سمبل‌های فرهنگی و پندارهای قومی این مملکت به ثبت رسیده است.

اسطوره‌ها علاوه بر کارکرد فرهنگی خود به عنوان سرگذشتی از باورها و خیال ورؤیای یک قوم، نقش مهمی در باورهای برخاسته از ذهن یک قوم و ناخودآگاه و خردجمعی بازی می‌کنند. آنچه می‌توان به آن استناد کرد این است که: "اسطوره را باید داستان و سرگذشتی مینوی دانست که معمولا اصل آن معلوم نیست و شرح عمل، عقیده، نهاد یا پدیده‌ای طبیعی است به صورت فراسویی که دست کم بخشی از آن از سنت‌ها و روایت‌ها گرفته شده و با آیین‌ها و عقاید دینی پیوندی ناگسستنی دارد." (آموزگار، ۱۳۸۵، ص ۳) فرهنگ ایرانی نیز، بخش زیادی به اساطیر وابسته است، و بخشی نیز به دین و آیینی که برخاسته از این نگرش اسطوره‌ای است. می‌توان چنین استنباط کرد که در متون کهن پارسی این آمیختگی و وابستگی ریشه در باور ماد داشته است و تا کنون توانسته است به صورتی پایدار عمل نماید.

آموزه‌های زرتشت در رابطه با جهان وهستی و مافیها، این زیرساخت‌های فکری را، باعث شد. از خلال این پندار، سفر اداویراف، به عنوان یکی از مصلحان و موبدان زرتشتی قابل تأمل است. او با سفر یک هفته‌ای خود به بهشت و دوزخ، این پندار را قوت می‌بخشد که، جهانی ماورای جهان مادی در انتظار انسان است، که در آن سزای نیک و بد اعمالش رقم خواهد خورد و جهان بی خودوبی منظور خلق نشده است.

می‌توان به این امر اشاره کرد که خاستگاه هنر نمایش در ایران و باور به بهشت و دوزخ، نشأت گرفته

از باورها، آیین و مناسک دینی در میان این قوم بوده است. حال این امر به وسیله داستان گویی و روایت، یاب به صورت شفاهی به وقوع می پیوسته است، یا اینکه به صورتی مکتوب آمده است، جای پژوهش و تحقیق دارد. "از روزگاران گذشته، پیش از عصر هخامنشیان و مادها؛ آهنگ-ها، ترانه‌ها و رقص‌های ویژه‌ای در ایران وجود داشته، که از نسلی به نسل دیگر رسیده است." (رحیمی و رهبین، ۱۳۸۳، ص ۲۴) "پژوهش‌های نژادشناسان، در سنت‌ها و رفتار، آشکارانسان می‌دهد که آیین و مناسک مذهبی، قالب و خاستگاه نخستین شکل‌گیری نمایش‌های صحنه‌ای بوده است. به ویژه آن دسته از مناسک و آیین‌هایی که رویکردشان، یکپارچگی رخدادهای اجتماعی، در چارچوب گستره اساطیر بوده است. اشکال نمایشی از همان آغاز، به سبب آمیزش با اسطوره مذهبی و ازسوی دیگر به دلیل بهره‌گیری از مناسک مذهبی، صورتی رمزگونه داشته است." (رحیمی و رهبین، ۱۳۸۳، ص ۲۲) در بررسی خاستگاه اعتقاد به بهشت و دوزخ، در ادبیات کهن، به گونه‌ای آیینی شاهدیم که چگونه در سفری رمزی و آیینی، این امر صورت می‌گیرد. می‌توانیم از این برداشت‌ها و مناسک، به عنوان عناصری از نمایش و توصیف بخشی داستان استفاده کنیم و متون کهن پارسی را در این خصوص، به عنوان الگوهای نمایشی، به صورتی ساختارمند در آوریم. این قابلیت در بسیاری از متون کهن و به خصوص در متون کلاسیک وجود دارد، تا از آنها آثاری اقتباسی و درخور نمایش تولید گردد. داستان‌های شاهنامه، هزارویک شب، سمک عیار، تاریخ بیهقی، کلیله و دمنه، افسانه-ها و باورهای مردمی، اسطوره‌های کهن، مثنوی و بسیاری از اشعار شاعران کلاسیک و...، در این میان، نقش اساطیر و برداشت از آنها به عنوان بخش فعال و قابل تبدیل به داستان‌ها و روایات امروزی، بسیار اهمیت دارد.

در واقع اسطوره‌ها علاوه بر نمادین بودنشان، نوع زندگی، ساختار اجتماعی و دگرگونی ذهن بشر را از آغاز تا انجام، روایت می‌کنند و حکایت از موجوداتی فراطبیعی و واقعی دارند. در نظریونگ و فروید، اسطوره‌شناسی دانشی است که از "فراکنی نمادین تجربیات روانی نوع بشر به وجود آمده است و فرآورده‌های تخیل انسان اند." (ستاری، ۱۳۷۷، ص ۶۳) این فراکنی نیز به نوبه خود خوب است و می‌تواند در عرصه هنر نمایش، سازنده و مثمر تر و واقع گردد. "بنابراین اسطوره چون علم ثمره عقل است، هر چند که چون هنر پذیرای بعضی از تأثیرات هیجانی نیز هست. فرق اسطوره با علم این است که اسطوره به تخیل بسی بیش از مشاهده بهاء می‌دهد؛ اما در تحول ذهن بشر، مقدم بر علم است که جایگزین

اسطوره می‌شود. " (ستاری، ۱۳۷۷، ص ۵۱) بنابراین، نتیجه می‌گیریم که چه بسا اموری که به لحاظ ماعقلی به نظر نیایند، امادردایرهٔ تخیل و تصویرسازی ذهن انسان مقدم بر امور، خودرآیدیدار ساخته اند و به تخیل انسان صورتی مادی و عملی داده اند. تخیلات داستانی چارلز دیکنز و بسیاری از نویسندگانی چون کلارک و رولینگ و دیگران که در عرصهٔ علمی و هنری راهگشای مسایل روز و پاسخ به پرسش‌های مطرح شدهٔ انسان در زمان معاصر بوده، گواه این است.

"آیا از میان شما کسی هست که دوست داشته باشد که او را بوستانی از خرما و انگور بوده باشد، و جوپهدر پای درختانش جاری باشد، و هرگونه میوه‌ای دهد، و خودپیرشده و فرزندانی ناتوان داشته باشد، به ناگاه گردبادی آتش ناک در آن بوستان افتد و بسوزد؟ خدا آیات خود را برای شما اینچنین بیان می‌کند، باشد که بیندیشید. " (قرآن، بقره، ۲۶۶) هنرمقوله ای است که از آغاز آفرینش انسان تا کنون پایه پای آدمی پیشرفت کرده است. برای حوزه های معرفت بشری، همچون فلسفه، ریاضیات و علم، می توان سرآغاز و سرگذشتی نوشت. اما هنر، حیاتی بی آغاز و سرگذشتی بی سرانجام دارد. در باب هنر فراوان گفته و بسیار نگاشته اند، اما بیشترین حضورش را می توان در حوزهٔ دین و تجربهٔ تعالی بخش روح آدمی سراغ گرفت. دین از دیرینه های تاریخ تا کنون، همگام با هنر، و حتی بسی ژرفتر، هزارتوی حیات و هستی بشر را در نور دیده، روح آدمی را صفا و صیقل داده، راه ناهموار زندگانی را هموار کرده و دیده آدمی را از زمین خاکی به فراسوی هستی کشانده است. باید پیوند دوسویه دین و هنر را، همچون همیشه تاریخ، پاس داشت و در عصر تباهی و بی پناهی انسان، در پناه آن آسودوبه بلندای کمال انسان راه جست. چرا که انسان همواره بر سردوراهی قرار دارد. " آیا برای او دو چشم نیافریده ایم؟ و یک زبان و دلب؟ و دوراه پیش پیش نهادیم؟ و او در آن گذرگاه سخت قدم ننهاد. " (قرآن، بلد، ۱۱-۸) از سوی دیگر، ادبیات و هنرهای نمایشی از دیرباز از مهمترین و متداولترین شاخه های هنر به شمار می روند و حتی با ظهور هنرهای جدید، هنوز هم از رواج و رونق نیفتاده اند. **سینما، تئاتر و تلویزیون** نه تنها با ادبیات سرستیز نداشته اند، بلکه انواع فنون ادبی را به نیکوترین شکل به خدمت گرفته اند. بی شک آثار بزرگ نمایشی و سینمایی جهان، برگرفته از متون استوار ادبی شکل گرفته اند.

باتوجه به این نکته است که می توان پی به اهمیت داستان نویسی و قصه پردازی برد. در مفهوم عام و براساس فرهنگ اصطلاحات ادبی جهان تألیف جوزف شیپلی، داستان عبارت است: "روایت یا شرح